



تأثیر انسان شناسی بر اخلاق شهروندی

عبدالحمید غلامی نیا*

چکیده

پژوهشگر در این مقال بر این باور است که سرشت انسان همواره میل به اعمال نیک و پسندیده دارد، لذا شناخت صحیح حقیقت وجودی انسان باعث می‌شود تا شهروند رفتار و اعمال خود را به گونه‌ای تنظیم کند که با سرشت پاک او سازگار باشد و موجب سعادت و نیک‌بختی او شود. از آنجایی که اخلاق از ضروری‌ترین نیازهای جامعه انسانی است و بسیاری از مشکلات فردی و اجتماعی ریشه اخلاقی دارد، می‌توان اصلاح اخلاق را زیربنای اصلاح جامعه دانست.

کلید واژگان: اخلاق اجتماعی، اخلاق شهروندی، انسان شناسی، اصلاح جامعه.

مقدمه

اخلاق از مهم‌ترین حوزه‌های مورد تأکید همه ادیان آسمانی است و همواره یک قلمرو مهم در زندگی اجتماعی و معرفتی فرد شناخته می‌شود و یک ضرورت برای جامعه است. پیشرفت شتابان علوم تجربی و توسعه فناوری طی چند دهه گذشته، ضمن بهره‌مندی بشر از آثار مثبت

* دانشجوی دکتری علوم سیاسی

آن، امکانات متنوعی را در ابعاد مختلف برای متمرکز ساختن انسان در لذت‌های مادی و حیوانی فراهم، و از این طریق جوامع بشری را با خطر ویران‌گر نابودی ارزش‌های معنوی و اخلاقی مواجه ساخته است. این امر می‌تواند زیان‌های جبران‌ناپذیری را در زندگی فردی و اجتماعی انسان داشته باشد. بر این اساس، توجه به اخلاق شهروندی برای حفظ کیان جامعه امری حیاتی خواهد بود.

منظور از اخلاق شهروندی، مجموعه‌ای از مبانی، معیارها، بایدها و نبایدها و هنجارهایی است که بر رفتار، روابط و مناسبات اجتماعی شهروندان حاکم است و چنانچه مورد هجمه قرار گیرد، سعادت و کمال انسان به شدت آسیب می‌بیند و نابود می‌شود. زیرا رشد، تعالی و تکامل انسان تنها زمانی میسر و محقق خواهد شد که شهروند در سایه پرورش فضائل اخلاقی، به اصول ارزشی و مقررات اجتماعی برگرفته از اندیشه الهی و مکتب انسان ساز اسلامی مقید و پای‌بند باشند.

بدون تردید بسیاری از مشکلات خرد و کلان جامعه به بحران‌های اخلاقی باز می‌گردد که در پیدا و پنهان روح و ذهن شهروندان راسخ شده است. به تعبیر دیگر، بسیاری از مشکلات در سطح فردی، خانواده‌ای، اجتماعی و بسیاری از ناهنجاری‌های جامعه ناشی از دور شدن انسان از فضائل انسانی است. امری که توجه مؤکد نخبگان و مصلحان را می‌طلبد.

اهتمام به این موضوع مهم یک اصل اساسی و از اهداف و آرمان‌های مهم نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران بوده است و برای تحقق آن، برنامه‌ریزی‌های فراوانی از طرق و در زمینه‌های مختلف صورت گرفته یا در حال انجام است. اما توجه بیشتر به این موضوع، به خصوص در شرایط حساس کنونی که جامعه اسلامی و شهروندان آن مورد هجوم فرهنگی بی‌امان قرار دارند ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است.

هدف این نوشتار آن است که نیاز اساسی جامعه شهری به اصول ارزشی و اخلاق شهروندی را آشکار سازد. از این رو، پرسش مقاله این‌گونه سامان می‌یابد: آیا شناخت فضائل و کمالات و ابعاد وجودی انسان می‌تواند موجب توسعه و تعمیق معنویت و پرورش اخلاق شهروندی گردد؟

مفهوم و منزلت شهروند

شهروندی نوعی حق است که از یک طرف توسط شهروندان و دولت به رسمیت شناخته شده و از سوی دیگر نوعی وظیفه است که همه آحاد جامعه نسبت به هم‌نوعان خود دارند: کسی که اهل یک شهر یا کشور باشد و از حقوق متعلق به آن برخوردار شود (امینی، ۱۳۷۷، ۳۴۹).

مفهوم شهروندی در مسیر تطور تاریخ بشر، متحول شده و در دوران‌های مختلف تفکر سیاسی برداشت‌های خاصی از آن شده است. امروزه می‌توان شهروندی را وضعیتی دانست که اساس آن عضویت کامل فرد در اجتماع است و صاحبان این وضعیت، حقوق و تکالیف برابر دارند. از این جهت حقوق شهروندی در سه حوزه مطرح است: حقوق مدنی شهروندی، حقوق سیاسی شهروندی و حقوق اجتماعی شهروندی.

اسلام به شهروند نگاه ویژه‌ای دارد؛ در واقع خداوند انسان را موجودی اجتماعی آفریده است که در اجتماع از همه مواهب بهره‌مند باشد: «هو الذی خلق لکم ما فی الارض جمیعاً» و در عین حال که به حقوق و وظایف انسان نگاه همه‌جانبه‌ای دارد، کرامت و فضایل انسانی را عوامل مهم در جهت بازدارندگی از انحراف و یک اصل ضروری و عاملی مهم برای رشد، تعالی و سعادت شهروند جامعه اسلامی می‌داند.

چیستی اخلاق و اخلاق شهروندی

قبل از ذکر ویژگی‌های اخلاق شهروندی لازم است به توضیح اخلاق و جایگاه ممتاز آن در اندیشه عالمان و اندیشمندان داشته باشیم؛

«خُلُق» در لغت به معنای «صفت پایدار و راسخ»، یعنی ملکه و اخلاق بر مجموعه اینگونه صفات اطلاق می‌گردد. اخلاق، اختصاص به صفات نیکو و پسندیده نداشته و شامل صفات زشت و ناپسند نیز می‌شود؛ همان‌طور که بعضی انسان‌ها دارای خلق نیک سخاوتمند و برخی دیگر گرفتار خلق ناپسند بخل می‌باشند (مصباح، ۱۳۸۶، ۱۵).

فروید در تعریف اخلاق می‌گوید: اخلاق محدود کردن غرایز به منظور پیشرفت تمدن است یعنی غرایز را باید در حیطه عقل محدود کرد تا به تمدن و اجتماع آسیبی وارد نیاید.

ابن‌مسکویه در کتاب «تهذیب الاخلاق و تطهیر الاعراق» می‌گوید: خلق همان حالت نفسانی است که انسان را به انجام کارها دعوت می‌کند بدون آنکه نیاز به تفکر و اندیشه داشته باشد.

علامه طباطبایی در تعریف اخلاق می‌نویسد: اخلاق، ملکه نفسانی است که افعال به آسانی و بدون تأمل و درنگ از آن صادر می‌شود (نصر اصفهانی، ۴۶).

اخلاق بنابه تعریف شایع آن، مشتمل بر فضائل و رذائلی است که بعد روحانی انسان را شکل می‌دهد و منشأ بروز رفتارهای متناسب با آن می‌شود (قربانی، ۱۳۵).

با توجه به تعاریف ذکر شده، اخلاق مجموعه‌ای از صفات نفسانی و اعمال و رفتار اختیاری است که بستگی به خوب و بد آن و انجام پسندیده یا ناپسند آن، نقش بسیار مهمی در سعادت و رستگاری یا شقاوت افراد اجتماع و شهروندان دارد.

بنابراین اخلاق شهروندی عبارت است از: مجموعه‌ای از مبانی و معیارها، بایدها و نبایدها و هنجارهایی که بر رفتار، اعمال، روابط و مناسبات اجتماعی شهروندان حاکم است و به لحاظ اهمیت از موضوعات مهم زندگی شهروندان محسوب می‌شود که با گذشت زمان و در نتیجه پیشرفت علوم و فناوری‌های جدید و ترویج فرهنگ‌های مختلف و نیز رشد شهرنشینی و آشکار شدن نیازهای جدید مادی و معنوی انسان، ضرورت آن بیشتر احساس می‌شود.

در واقع اخلاق شهروندی، اصولی است که سبب رعایت حقوق فردی و اجتماعی و تکلیف نسبت به دیگران، پیروی از قوانین و مقررات اجتماعی، احساس مسئولیت نسبت به هم‌نوعان و ترجیح منافع جمعی بر منافع فردی در همه صحنه‌های تلاش و فعالیت‌های گوناگون می‌گردد، ملکه نفسانی و صفت پایدار شهروند را تشکیل می‌دهد. بر این اساس اخلاق شهروندی در ابعاد موضوعی مختلف از جمله اخلاق فردی، اخلاق اجتماعی، اخلاق اقتصادی، اخلاق سیاسی، اخلاق خانواده، اخلاق دولت مردان، اخلاق کارگزاران، اخلاق مدیران، اخلاق رسانه و مطبوعات و... ظاهر می‌شود.

در واقع اخلاق از آن جا که برخاسته از ذات و فطرت آدمی است به گونه‌ای که در هر حوزه‌ای که حضور یابد، فضائل و رذائل خود را نشان خواهد داد، دین مقدس اسلام، حساب ویژه‌ای برای آن گشوده است. اخلاق است که انسان را به سوی وظایف فردی و اجتماعی سوق می‌دهد (قطب، ۱۳۶۰، ۱۱۹).

اخلاق در دو جامعه روستایی و شهری به گونه‌ای متفاوت در کنش و واکنش قرار می‌گیرد. جامعه روستایی سادگی و بساطت خاص خود را دارد و بدین لحاظ منش‌ها پایدارتر می‌ماند؛ ولی در جوامع شهری این‌گونه نیست. دلیل اینکه ابن‌خلدون زندگی شهرنشینی را نکوهش می‌کرد نگرانی او از رخت بر بستن و حذف مذهب و اخلاقیات از جامعه شهری و عدم پای‌بندی شهروندان به اصول ارزشی بوده است. در واقع ابن‌خلدون معتقد است:

وقتی که مذهب و اخلاقیات که انسان را از آلوده شدن به گناه و فسق باز می‌دارد، در شهر از یاد برود و فراموش شود، انسان شهرنشین از خود بیگانه و ماهیتش دگرگون می‌شود، پستی‌ها و رذایل صفحه پاک ضمیرش را می‌پوشاند، اینجاست که دیگر انسان به هیچ اصولی پای‌بند نیست تا از انجام جنایت و تجاوز و هتاک‌ها او را باز بدارد (علیمردانی).

بنابراین اسلام اصلاح اخلاقیات را زیربنای اصلاح جامعه می‌داند و تقریباً اساسی‌ترین پیام‌های قرآن بر محور اخلاق انسان‌سازی ارائه گردید. صبر و شکیبایی، تواضع و فروتنی، صداقت و اخلاص، عمل، تعاون و همکاری، نوع دوستی و نیکوئی، شجاعت و پایداری، سخاوت و مهرورزی، توجه به محرمات و نظایر آن، از جمله پیام‌های اخلاقی قرآن است که همه آنها از اصول ارزشی جامعه شهری است و شهروند جامعه اسلامی برای طی سیر سعادت و نیک‌بختی باید به آنها آراسته شود و خود را مقید و ملزم به انجام آنها بداند.

این که بخش مهمی از رسالت پیامبران(ص) و امامان معصوم(ع) تصحیح منش و رفتار انسان و کاشتن بذر کمالات اخلاقی و خصال متعالی انسان در نهاد جان انسان‌ها بوده است (محدثی، ۱۳۸۱، ۵۴) بیانگر ضرورت اخلاق در زندگی بشر است تا زندگی او معنای واقعی پیدا کند و به سعادت و کمال برسد. لذا خود پیامبر اکرم(ص) نیز فرمودند: "انی بعثت لا تمم مکارم الاخلاق" همانا من برانگیخته شده‌ام تا فضایل اخلاقی را به کمال برسانم (جمعی از نویسندگان، اندیشه دینی، ۱۳۸۳، ۵۹).

البته با گذر زمان انسان تجاری‌اخذ کرده و به نتایجی رهنمون گشته است؛ دستیابی انسان به قوانین و پذیرش حاکمیت آن تا حدی زمینه را فراهم نموده است تا جامعه به حیات خود ادامه دهد ولی حوادث تلخی که به دست مدعیان قانون و قانون‌گذار در قالب قتل و کشتار و چپاولگری رخ داد نشان داد که انسان به عامل اخلاق نیاز اساسی دارد. این امر در مقیاس ملی نیز قابل توجه است؛ در جامعه اسلامی یک سلسله قوانین و مقرراتی در زمینه‌های فردی و اجتماعی، مادی و معنوی وجود دارد که بطور مشخص وظایف فرد و جامعه را معین می‌کند، این قوانین و مقررات اگر ضامن اجرا نداشته باشد اثری ندارد. از این روست که قوانین کیفری و جزائی تدوین گردیده تا آنها که نقض قانون می‌کنند و حدود مقررات الهی را محترم نمی‌شمارند تأدیب و مجازات شوند. پس کارآمدترین ضامن اجرای قانون، امری درونی است که انسان را وادار به اطاعت از قوانین الهی

می‌کند و آن عامل عبارت است از اخلاق الهی که اگر این حالت در روح آدمی پدید آید، جامعه رو به صلاح و فلاح خواهد رفت (دین‌پرور، ۱۳۶۲، ۱۶).

از آنچه گذشت روشن شد که وقتی از برخورداری اخلاق شهروندی سخن به میان می‌آید منظور جنبه‌ها و صفات مثبت و ارزشی شهروند است که در وجود وی صورت ملکه پیدا کرده و او را به انجام وظائف شهروندی وادار می‌کند. شهروند در چنین حالتی از روی ترس خود را ملزم به پیروی از قانون نمی‌کند، بلکه راستی، درستی، امانت‌داری و پایبندی به ارزش‌های اخلاقی است که او را ملتزم می‌سازد و پذیرش قوانین و التزام به آن را برای وی نه تنها آسان بلکه لذت بخش می‌نماید.

ضرورت تقویت و پویایی اخلاق شهروندی

ضرورت توجه به اصلاح اخلاق شهروندی، ضمن لزوم مضاعف در سطوح کارگزار و تصمیم‌ساز، منحصر به بخش خاص یا قشر بخصوصی از جامعه نیست، بلکه بازسازی، اصلاح و تکمیل اخلاق امری است که همه زوایای زندگی شهروندان و ساختار جامعه را در برمی‌گیرد.

اما این ضرورت از نیمه دوم قرن بیستم به بعد مضاعف شده است؛ زیرا جوامع بشری در این دوران تحت تأثیر تحولات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی دست‌خوش تحولات اساسی گشته و موجب پیامدهای گسترده‌ای از جمله گسترش رسانه در زندگی انسان‌ها، آگاهی و الگوپذیری از فرهنگ‌های مختلف، تولید، توزیع و مصرف کالاهای متنوع شده است. با این تحولات تغییرات عمیقی در سبک زندگی مردم به خصوص ساکنان شهرهای بزرگ به وجود آمد و هویت فرهنگی شهروندان را دست‌خوش تحول کرد، به خصوص فرایند جهانی شدن، طی دهه‌های اخیر که تحولات گسترده‌ای را در جامعه، فرهنگ و انسان معاصر ایجاد کرده است.

بر این اساس و به تناسب پیچیدگی‌های خاص جوامع امروزی، ضرورت و اهمیت ارائه راهکارهای کارآمد در تقویت اخلاق، تزکیه نفس و اصلاح انسان‌ها و جوامع و نجات آنها به خوبی نمایان است؛ پیامد چنین اقدام مهم و سازنده‌ای موجب استقرار جامعه‌ای ارزشی و معنوی است که در آن همه شهروندان از نعمت نظم، امنیت، عدالت، رعایت حقوق طرفین، احسان، نوع دوستی و ترجیح مصالح عمومی و همه ارزش‌های انسانی در حد اعلا برخوردار باشند و زمینه تعالی و کمال انسانی و تقرب الهی تحقق یابد.

رابطه اخلاق شهروندی و انسان‌شناسی دینی

اولین نسخه اخلاقی، در ادیان الهی ارائه شده است؛ ادیان الهی راه سعادت و فلاح را پیش روی انسان نمایان ساخته‌اند. جامع‌ترین دستورالعمل اخلاقی را اسلام ارائه کرده است. اسلام به عنوان کامل‌ترین دین الهی، همه قواعد، سنت‌ها و مطلوب‌های لازم برای پاسخ‌گویی به نیازهای شهروندان را در درون خود دارد. در واقع دین مقدس اسلام سرشار از ظرافت‌ها در تبیین لزوم ارزش‌های والای انسانی و راه‌کارهای رفتاری و عملی در ابعاد مختلف اجتماعی و فعالیت‌های روزمره جامعه بشری است. به تعبیری آموزه‌های فرهنگ اسلامی آن‌چنان فراگیر و گسترده است که همه زوایا و ابعاد زندگی، آیین‌ها، سنت‌ها، عادات، عقاید، رفتار و اعمال شهروندان را پوشش می‌دهد.

شهروند جامعه اسلامی با پیروی از آموزه‌های دینی و دستورات حیات بخش معنوی و متعالی دین مقدس اسلام شرایط مطلوب برای زندگی توأم با همه فضائل اخلاقی و ویژگی‌های ارزشی را پدید می‌آورد. از این رو هر قدر که شهروندان جامعه اسلامی بیشتر به اصول ارزشی و آموزه‌های دینی و اخلاقی پای‌بند و مقید باشند، بیشتر زمینه استکمال و رشد انسان‌ها فراهم می‌گردد و سعادت انسان‌ها تأمین می‌شود.

وقتی که در اثر دوری از آلودگی، انحراف و گناه و پاک‌سازی درون میوه‌های ارزش‌های معنوی و کمالات انسانی در متن زندگی فرد و جامعه آشکار می‌شود و باطن و خوی انسان به زیورها و ارزش‌های والای اخلاقی آراسته می‌شود انسان مراحل سعادت و کمال را طی می‌کند (عبدوس، ۱۳۷۵، ۱۰).

از نگاه اسلام کاملترین جامعه انسانی جامعه‌ای است که در درون خود، ساز و کارهای آشنایی و بقاء اصول اخلاقی و ارزشی را پایدار کرده باشد و زمینه رشد عوامل منفی و انحرافی را مسدود کرده و مصونیت برای جامعه و همه شهروندان به وجود بیاورد. یکی از ساز و کارهای پایداری اصول اخلاقی در جامعه، توجه شهروندان به ضرورت و اهمیت دین در مناسبات اجتماعی و فرهنگی است، این مهم از طریق ارجاع انسان به اصل و حقیقت وجودی خود و معطوف کردن او به سرشت خود تحقق می‌یابد.

اینک لازم است به پاره‌ای از پیامدهای انسان‌شناختی در این زمینه اشاره شود:

۱- توجه به ساحت‌های وجودی انسانی و منحصر نکردن او به جسم و مادیات و به سخنی دیگر توجه به روح و ابعاد متعالی انسان ما را به اندیشه جاودانگی و زندگی پس از مرگ سوق می‌دهد (گرامی، ۱۳۸۷، ۲۰). آگاهی انسان از اهداف آفرینش و فلسفه زندگی انسان باعث می‌شود تا انسان زندگی را مقدمه آخرت بداند و در پرتو معنویت و اخلاق زندگی را سپری نماید. و این عامل بسیار مهم در ترویج خصلت‌های انسانی و اصلاح رفتار و اعمال شهروندان جامعه اسلامی منطبق با احکام متعالی اسلام است که موجب تقویت اخلاق شهروندی می‌گردد.

۲- انسان شناسی زمینه بهره‌مندی بهینه از عمر را نصیب انسان می‌کند و به او می‌آموزد تا قدرشناس این فرصت استثنایی باشد. این درک صحیح شهروند جامعه اسلامی را این‌گونه هدایت می‌کند که "زندگی مادی را نه هدف اصلی بلکه مقدمه رسیدن به سرای ابدی بداند" (همان، ۲۳). لذا در پرتو احکام و دستورات اسلام برنامه‌ها و روش زندگی خود را به گونه‌ای تنظیم می‌کند تا از توانایی‌ها، استعدادها و ظرفیت‌های وجودی خود و نعمت‌هایی که در اختیار دارد به نحو شایسته و خوش‌بینانه استفاده نماید.

۳- انسان شناسی باعث می‌شود تا انسان ویژگی‌های درونی خود را بهتر بشناسد و هویت واقعی خود را درک کند. به سخنی دیگر، انسان متوجه می‌شود که دارای سرشتی پاک و گوهری متعالی است. چگونگی شکل‌گیری شخصیت و هویت هر انسانی بسیار مهم و حیاتی است، انسان دائماً با هویت خود زندگی می‌کند. بر اساس آن انتخاب می‌کند، تصمیم می‌گیرد و عمل می‌کند، هویتی که در همه حالت همراه اوست (همان، ۲۴).

انسان وقتی به درک درست و شناخت صحیح از فطرت پاک و هویت واقعی خود نایل شود به راحتی گوهر گران‌بهای وجود خود را در معرض خطر و مورد بی‌مهری قرار نمی‌دهد و تلاش می‌کند مسیر و شیوه زندگی سالم را انتخاب کند و اصولی را مبنای فعالیت روزمره خود قرار بدهد تا آن گوهر متعالی را خدشه‌دار نکند و در مسیر انحراف قرار ندهد. در واقع طریقی برمی‌گزیند که با سرشت پاک انسانی او سازگار باشد و او را در هر دو جهان سعادتمند کند.

نتیجه

شهروند جامعه اسلامی با بهره‌جستن از ارزش‌های والای انسانی و راه‌کارهای عملی و پیروی از آموزه‌های دینی و دستورات حیات‌بخش معنوی و متعالی دین مقدس اسلام، شرایط مطلوبی برای

زندگی خود و همه اعضا جامعه پدید می‌آورد و بستر پیمایش به سمت کمال را برای همه شهروندان فراهم می‌سازد، راه صحیح دست‌یابی و رسیدن به چنین جامعه مطلوب و کامل این است که ساز و کارهای آشنایی و بقاء اصول اخلاقی و ارزشی در جامعه پایدار گردد و زمینه‌های رشد عوامل منفی و انحرافی مسدود شود. به سخنی دیگر جامعه، از عوامل فسادانگیز مصون نگهداشته شود، از جمله راه‌کارهای پایدار، توجه شهروندان به ضرورت و اهمیت دین در مناسبات اجتماعی و فرهنگی و تمامی ابعاد زندگی است که از طریق ارجاع انسان به حقیقت وجودی خود و سرشت و فطرت پاک انسانی محقق می‌شود.

کسی که شناخت درستی از گوهر وجودی و سرشت پاک خود پیدا کند نیازهای مادی و زودگذر را بر نیازهای اساسی و معنوی و اخلاقی ترجیح نمی‌دهد و در دام آلودگی گرفتار نمی‌شود. او نیازهای اساسی و متعالی انسان را نه تنها هدف اصلی بلکه مقدمه‌ای برای سعادت در جهان آخرت می‌داند. علاوه بر نقش مهم شهروندان نیاز به یک سری اقدامات اساسی و زیربنایی در بعد اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی است که در قالب راهکار به آن اشاره می‌شود.

راهکارها

- منطبق ساختن طرح‌ها و پروژه‌های اقتصادی، فرهنگی و... با نیازهای فطری و اصول ارزشی و اخلاقی شهروندی با الهام از فرهنگ اصیل اسلامی؛

- سازماندهی و نقش‌آفرینی نهادهای اجتماعی و سیاسی از جمله رسانه، مطبوعات، انجمن‌های مردمی، مدیریت شهری، مراکز آموزشی و پژوهشی، علمی و دانشگاهی، نهادهای فرهنگی با توجه به نوع کارکرد خود، مراکز و مؤسسات دینی، حوزه‌های علمیه، احزاب و جریان‌های سیاسی و... در شکل دادن اصول اخلاقی؛

- حاکم ساختن ارزش‌های اخلاقی در همه طرح‌ها و پروژه‌های خدماتی، تسهیلات شهری و توسعه شهری؛

- آسیب‌شناسی و شناسایی رفتار، اعمال، افکار، برنامه‌ها و فعالیت‌های ضد ارزشی؛

- توجه به اصول ارزشی و اخلاقی، منطبق با فرهنگ غنی اسلامی در ساخت و سازها و به خصوص پروژه‌های مسکونی، شهرک‌سازی و شهرهای جدید؛

- بومی کردن فناوری‌ها متناسب با فرهنگ اسلامی و دینی؛

- برنامه‌ریزی برای ارتقاء اخلاق شهروندی و ارزش‌های دینی در همه عرصه‌های شهری از جمله حمل و نقل، ترافیک، فضاهای عمومی، خیابان، پیاده‌رو، ورزشی و تفریحی و...؛

- توسعه آموزش عمومی و تکریم ارباب رجوع خاص مدیران شهری در سطوح مختلف و فعالیت‌های متفاوت به منظور نهادینه کردن فرهنگ ارزشی و اخلاق اسلامی؛

- ارائه راهکارهای تمرین و ممارست ارزش‌های اخلاقی به شهروند از طریق رسانه‌های ملی در قالب فیلم، سریال و فعالیت‌های هنری دیگر؛

- کاربردی کردن صفات و کمالات انسانی و ارائه الگوی مطلوب در عرصه‌های ارزشی و انسانی از جمله: صداقت، عدالت، انصاف، امانت‌داری، رعایت حقوق و وظایف انسانی، احساس مسئولیت و تکلیف‌گرایی، حسن‌ظن، شیوه‌های برخورد و رفتار در مواجهه و ارتباط با هم‌نوعان در شرایط و موقعیت‌های مختلف؛

- بها دادن به نیازهای اساسی و فطری که موجب سعادت و نیک‌بختی انسان می‌شود؛

نکات اشاره شده بخشی از اقدامات اساسی است که می‌تواند نقش بسیار زیاد و مؤثری در بسترسازی فرهنگ اصیل اسلامی، آشنایی و ترویج فضائل و کمالات انسانی و ارتقاء اعتقاد شهروندان به اصول ارزشی و پای‌بندی و مقید بودن آنها به اخلاق اسلامی داشته باشد.

فهرست منابع

- جمعی از نویسندگان، **اندیشه دینی سطح ۲**، تهران: آموزش عقیدتی سیاسی نمایندگی ولی فقیه در نیروی مقاومت بسیج، ۱۳۸۳.
- دین‌پرور، **برنامه‌های خودسازی در راه ایجاد اخلاق اسلامی**، تهران: آموزش عقیدتی سیاسی ستاد مرکزی سپاه، ۱۳۶۲.
- عبدوس، محمد تقی و اشتهازدی، محمد مهدی، **اصول اخلاق امامان(ع)**، چ ۵، قم: دفتر تبلیغات حوزه علمیه، ۱۳۷۵.
- قطب، محمد، **انسان بین مادی‌گری و اسلام**، ترجمه سید خلیل خلیلیان، چ ۳، تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۶۰.
- گرامی، غلام حسین، **انسان در اسلام**، چ ۷، بی‌جا: دفتر نشر معارف، ۱۳۸۷.

- محدثی، جواد، پیامهای عاشورا، چ ۴، تهران: اداره آموزش عقیدتی سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه، ۱۳۸۱.
- مصباح، مجتبی، فلسفه اخلاق، چ ۱۰، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۸۶.
- امینی، سیدحسن، قانون اساسی و حقوق شهروندان، (مجموعه مقالات جمهوری و انقلاب اسلامی)، سازمان مدارک فرهنگ انقلاب اسلامی، تابستان ۱۳۷۷.
- قربانی، عسکر، چیستی اخلاقی و فضائل اخلاقی، فصلنامه تخصصی اخلاق، دفتر تبلیغات اسلامی اصفهان، شماره ۱۱.
- نصر اصفهانی، محمد، مبانی اخلاقی علامه طباطبایی (ره)، فصلنامه تخصصی اخلاق، دفتر تبلیغات اسلامی اصفهان، شماره ۱۱.

This document was created with Win2PDF available at <http://www.daneprairie.com>.
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.